



روزنامه خاطرات

ناصرالدین شاه قاجار

أزربیع الأول ۱۲۸۳ تا جمادی الثاني ۱۲۸۲
به انضمام سفرنامه اول خراسان

یدہ کوشش مجید عبدا مین

روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

از ربیع الاول ۱۲۸۳ تا جمادی الثانی ۱۲۸۴ ق.

به انضمام شرح کامل سفرنامه اول خراسان



مجید عبدامین



روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

از ربیع الاول ۱۲۸۳ تا جمادی الثانی ۱۲۸۴ ق.

به انضمام شرح کامل سفرنامه اول خراسان



مصصح مجید عبدامین

گرافیسیت، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر

لیتوگرافی کوثر

چاپ متن دایره سفید

صحافی حقیقت

تیراژ ۷۷۰ نسخه

چاپ اول بهار ۱۳۹۶

ناشر انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه بارکوبی، خیابان عارف نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۴۰۴۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۴۰۴۶۹۵۳۸۰۴



فهرست

هفده	مقدمه مصحح
۳	شکرآب ربیع الاول ۱۲۸۳
۲۱	شهرستانک ربیع الثانی ۱۲۸۳
۴۹	دوشان تپه جمادی الاول ۱۲۸۳
۵۳	قصر قاجار جمادی الاول ۱۲۸۳
۵۷	دوشان تپه جمادی الثانی ۱۲۸۳
۵۹	دارالخلافه جمادی الثانی ۱۲۸۳
۶۱	متفرقه دارالخلافه جمادی الثانی ۱۲۸۳
۶۳	دوشان تپه جمادی الثانی ۱۲۸۳
۷۳	جاجرود رجب ۱۲۸۳
۹۷	دوشان تپه شعبان ۱۲۸۳
۱۰۹	جاجرود شوال ۱۲۸۳
۱۲۳	متفرقه دارالخلافه شوال ۱۲۸۳
۱۲۵	دوشان تپه ذیقعدہ ۱۲۸۳
۱۳۳	سفرنامه خراسان ذیحجه ۱۲۸۳
۱۵۳	سفرنامه خراسان محرم ۱۲۸۴
۲۰۳	سفرنامه خراسان صفر ۱۲۸۴
۲۵۵	سفرنامه خراسان ربیع الاول ۱۲۸۴
۲۹۱	سفرنامه خراسان ربیع الثانی ۱۲۸۴
۳۴۵	سفرنامه خراسان جمادی الاول ۱۲۸۴
۳۶۹	اخبار مختلفه در خاتمه سفر خراسان جمادی الاول ۱۲۸۴
۳۷۱	دوشان تپه در خاتمه سفر خراسان جمادی الثانی ۱۲۸۴
۳۷۵	اختتام سفر خراسان جمادی الثانی ۱۲۸۴
۳۷۸	سند ضمیمه
۳۷۹	فهرست های چندگانه
۳۸۱	فهرست نام اشخاص و القاب
۴۱۱	فهرست مدنی، اجتماعی، اداری و واژه های خاص
۴۳۹	فهرست اسامی جغرافیایی
۴۵۷	فهرست طوایف، ایلات، خاندان ها و مذاهب
۴۶۱	گل ها، گیاهان، و میوه جات
۴۶۵	مأكولات و مشروبات
۴۶۷	فهرست کتب و رسالات
۴۶۹	بخش تصاویر بانضمام نقاشی های ناصرالدین شاه
۴۸۷	منابع و مأخذ

مقدمه مصحح

ناصرالدین شاه، پسر محمدشاه قاجار، از بطن ملک جهان خانم مهدعلیا، چهارمین پادشاه سلسله قاجار است. او در ششم صفر سال ۱۲۴۷ق. متولد شد؛ در یکشنبه هجدهم شوال سال ۱۲۶۴ق. بر تخت سلطنت نشست و پس از نزدیک به ۵۰ سال سلطنت، در روز جمعه هفدهم ذیقعده سال ۱۳۱۳ق. به تیر اسلحه میرزا محمدرضا نام دست‌فروش به قتل رسید.

ناصرالدین شاه از دوران نوجوانی، به ثبت خاطرات خود اقدام ورزیده است و علاوه بر ثبت خاطرات روزانه، به هنرهای تزئینی همچون نقاشی (سیاه قلم و آب رنگ)، خوشنویسی، شعر و بالاخره هنر عکاسی علاقه‌ای وافر داشته و در هر کدام از این رشته‌ها به حد کمال رسیده است. لیکن مهمترین هنراو، همین ثبت خاطرات روزانه‌اش بوده که به این وسیله یکی از غنی‌ترین منابع جهت بررسی وقایع و حوادث آن عصر را در اختیار نسل بعد از خود قرار داده است. او این هنر را تا اندکی پیش از مرگ فراموش نکرد و بر این امر استمرار و استقامت ورزیده است.^۱

اگر بنا باشد ویژگی‌های هر یک از افراد شاخص را در یکی دو کلمه خلاصه و بیان کنیم، بی‌شک باید ناصرالدین شاه را «پادشاه خاطره نویس» بنامیم. او بیش از همه پادشاهان ایران؛ یادداشتها، کتابها، خاطرات، سفرنامه، [سیاه مشق، طراحی و سیاه قلم] و دیوان شعر از خود به یادگار گذاشته است. هر چند که تعدادی از اینها و شاید بیشتر نوشته‌های اصلی او تاکنون به چاپ نرسیده و معروف همه نیست.

۱. آخرین برگ از خاطرات روزانه ناصرالدین شاه مربوط است به تاریخ چهارشنبه ۱۵ ذیقعده سال ۱۳۱۳ قمری و چهل و هشت ساعت قبل از ترور وی در صحن حرم عبدالعظیم^(ع).

طبعاً با چاپ و انتشار آنها بهتر می‌توانیم اولاً آگاهی‌های صحیح و درستی از یک برهه طولانی تاریخ ایران به دست آوریم و ثانیاً بر میزان پشتکار شخص وی و دانشوری‌اش و آگاهی او بر زبانهای خارجی مطلع شویم.^۱

آنچه این پادشاه پرنویس را - در زمینه خاطره و خاطره‌نویسی - از بسیاری از دیگر اسلافش متمایز می‌سازد، آن است که وی شأن خود را به عنوان یک خاطره‌نگار، فراتر از واسطه‌ای صرف، به جهت بیان مشهودات و مسموعات خود دانسته و به ارائه تجربیات بکر و دست‌اول و همچنین مشاهدات زندگی خویش - و صد البته متأثر از جایگاه و موقعیت سیاسی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود - پرداخته؛ و با بهره‌گیری از ذهنی پویا و قلمی توانا، با هوشیاری و دقت نظر عالی، این آثار ارزشمند را برای ماندگاری در تاریخ ساخته و پرداخته است.

ساده‌نویسی و سبک صریح و صمیمانه در نوشته‌های او، و عدم تأکید بر لفاظی و عبارت‌پردازی و همچنین تبعیت نکردن از نثر معمول و متداول زمانه - یعنی همان نثر مصنوع و پرتکلفی که آداب و سنن منشیانه درباری آن را شکل داده بود - از دلایل مهم استقبال خوانندگان از روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین‌شاه است.

کتاب حاضر، حاصل استنساخ بخشی^۲ از آلبوم شماره ۹۷ از مجموعه آلبوم‌های بیوتات است که در بخش اسناد خطی سازمان اسناد ملی ایران، تحت شماره ۲۹۵/۷۲۲۶ بایگانی گردیده است. این آلبوم به قطع رحلی بزرگ است و ظاهراً نخستین جلد از خاطرات ناصرالدین‌شاه است و متضمن ۶۹۴ صفحه می‌باشد که به شرح خاطرات روزانه ناصرالدین‌شاه، از تاریخ چهاردهم محرم ۱۲۷۹ تا سیزدهم جمادی‌الثانی ۱۲۸۵ ق. اختصاص دارد و در دو صفحه اول، کسی از منشیان دربار فهرست خوبی برای آن فراهم کرده است. برخی فصل‌ها با صفحات مذهب و دارای سرلوح زرّین آغاز می‌گردد. این مجلد با سفرنامه شهرستانک که در محرم سال ۱۲۷۹ ق. رخ داده آغاز شده است و با شرح خاطرات روزانه وی در سلطنت‌آباد، در تاریخ جمادی‌الثانی سال ۱۲۸۵ ق. به پایان رسیده است.^۳

اوراق فراوانی از این کتاب اختصاص دارد به شرح و بیان اتفاقات روزمره، از قبیل شکار و تفرّج و سیر و سیاحت یک‌روزه و چندروزه در اطراف و اکناف طهران، همچون دوشان‌تپه

۱. آل‌داود، سیدعلی، «ناصرالدین‌شاه خاطره‌نویس»، نشر دانش، بهار ۱۳۸۰، شماره ۹۹، صص ۳۹-۳۴.

۲. صفحات ۳۱۴ الی ۵۹۱ آلبوم فوق‌الذکر.

۳. آل‌داود، سیدعلی، (۱۳۹۰) فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۲۲۴.

و جاجرود، سلطنت آباد، قصر قاجار؛ کوه‌های اطراف طهران و همچنین بیلاقات حاشیه طهران از قبیل شهرستانک، آهار، نیاوران و شکرآب. از صفحه ۱۳۳ کتاب، نخستین سفر ناصرالدین شاه به خطه خراسان و زیارت مرقد مطهر امام هشتم شیعیان آغاز می‌شود که در مجموع، ۲۳۰ صفحه از کتاب حاضر به شرح این سفر اختصاص دارد و از صفحه ۳۶۸ تا ۳۷۷ کتاب نیز به شرح وقایع پس از بازگشت از سفر و همچنین اخبار اتفاقات دارالخلافه اختصاص یافته است.

در طول سالیان گذشته، تنها کتابی که از این سفر در اختیار پژوهشگران و علاقمندان این عرصه بوده، کتاب سفرنامه حکیم الممالک بوده است که توسط میرزا علی‌نقی حکیم الممالک، حکیم درباری و از نزدیکان ناصرالدین شاه تحریر گردیده است. میرزا علی‌نقی حکیم الممالک که در همین سفر نیز لقب حکیم الممالکی را از شاه دریافت کرده است، اجازه می‌یابد که در طول مسیر حرکت اردو به طرف مشهد و بازگشت به طهران، اطلاعاتی تکمیلی از اماکن و ابنیه طول راه تهیه کند. خود او شرح ماجرا را اینگونه بیان کرده است:

... این دژه بی‌مقدار و خانه‌زاد دولت‌گردون مدار علی‌نقی ابن اسمعیل که از تفضلات الهی و از عنایات حضرت شاهنشاهی در خاکپای فلک‌فرسای همایونی به سمت پیشخدمتی و طبابت حضور سرافراز و مفتخر است و همه اوقات را لیلأ و نهارأ سفرأ و حضراً از سعادت زیارت آستان مهرنشان دور نیست، شکرانه این موهبت عظمی را لازم دید که روزنامه این سفر مبارک اثر را به طور مختصر بنگارد. پس آرزوی خود را به عرض عاکفان حضور معدلت دستور رسانیده، و اجازه اجرای آن را درخواست نمود. این مطلب مقبول طبع مبارک همایونی آمده، مقرر شد که در ثبت این روزنامه تنها به بیان احوال ذات خجسته صفات همایون و وقایع حادثه اکتفا نکند، بلکه حتی الامکان مختصری نیز از تعلیمات جغرافیایی، یعنی حالت راه و هیأت ارضی و جبال و انهار و قراء و بلادی که مسیر موکب فیروزی کوکب‌اند، به طور اختصار اطلاعی بدهد و این کتاب را بر حسب امر علیّه «روزنامه حکیم الممالک» نام نهاد ... الخ.^۱

بدون شک، حکیم الممالک تنها به بخشی از خاطرات این سفر اشاره کرده که از نظر حکومت و شخص شاه، ارائه و در دسترس بودن آن برای عموم مردم، عاری از اشکال بوده؛ و این شیوه‌ای معمول بوده است که هرگاه ناصرالدین شاه به سفری داخلی یا خارجی می‌رفته

۱. روزنامه سفر خراسان حکیم الممالک، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ص ۶.

است، پس از بازگشت به دارالخلافه، بخش‌هایی از این سفرنامه‌ها در روزنامه رسمی به رشته تحریر درآمده و در اختیار قاطبهٔ مردم قرار گرفته است. لیکن نسخه حاضر، شرح کامل روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه است که بخشی از آن به سفرنامهٔ خراسان اختصاص یافته است و بسیاری از مطالبی که در نسخهٔ مذکور موجود نمی‌باشد، در این نسخه به طور کامل بیان شده است و با مقابلهٔ این دو نسخه، به وضوح تفاوت‌های مابین آنها قابل مشاهده و بررسی است و این خود از مشخصه‌های قابل ذکر این مجموعه می‌باشد.

روش تصحیح نسخه

در تصحیح متن حاضر، روش معمول و رایجی که در تصحیح متون رعایت می‌شود مورد نظر قرار گرفته است. متن اصلی فاقد علائم سجاوندی و عدم رعایت قواعد پاراگراف‌بندی بوده است که در بازنویسی، کلیه این موارد رعایت گردیده است. کلماتی همچون «برخوامم و خاندم» و از این دست، به رسم الخط متعارف کنونی «برخاستم و خواندم» تغییر یافته است. در متن اصلی، بای حرف اضافه متصل به کلمهٔ بعدی آمده، همچون: «بجای» یا «بخاطر» که به شکل «به جای» و «به خاطر» نوشته شده است.

کلمات جمع که با حرف «ها» ادغام شده‌اند مانند: «خانها و خواجها» و امثالهم از هم جدا گردیده و به شکل «خانه‌ها و خواجه‌ها» نوشته شده است.

هرجا افزودن کلمه یا حرفی بایسته دیده شد، آن را در میان دو چنگک [] قرار دادیم. کلمات و جملات معترضه را در میان دو خط -- و واژه‌های مغلوط فارسی - عربی، همچون: «شوخیّتاً، مزاجاً و حالّتاً» را به همان صورت اصلی آورده‌ایم.

در بعضی از قسمت‌های نسخه، در نگارش واژگان اشتباهاتی صورت گرفته که ضمن تصحیح این موارد، در پانویس همان صفحه نیز به اصل آن اشاره شده است.

اسامی و نام‌هایی که به زبان لاتین و اکثراً ناقص و غلط نوشته شده است، همچون (...uchi = [یوشی]، ...enis = [انیس الدوله]) به فارسی تبدیل یافته و داخل چنگک [] قرار داده شده است. کلیه پرنانه‌های () درون متن به تبعیت از اصل سند می‌باشد.

به جهت تسهیل در امر تحقیق و پیگیری موضوعات و مطالب خاص، توسط پژوهشگران و علاقمندان، اقدام به اعلام هر صفحه از سند با شماره‌گذاری آن صفحه در داخل قلاب []

نموده‌ایم که در نوع خود کاری تازه می‌باشد.

به عنوان مثال رقم [۲۷۰] در متن بازنویسی شده، شماره‌ای است که به عکس آن صفحه از سند، در آلبوم مربوطه تعلق دارد.

توضیحات کتاب، بیشتر حول محور اعلام و القاب، اماکن و نقاط خاص جغرافیایی و همچنین کلمات و لغات نامأنوس و منسوخ شده قرار گرفته است و با توجه به اینکه بسیاری از القاب و مناصب در دوره‌های مختلف تاریخی، به افراد و اشخاص مختلفی اختصاص داشته است. به جهت جلوگیری از سردرگمی خوانندگان غیرحرفه‌ای، هر بار که لقب و عنوانی برای اولین بار به کار برده شده است، حتی المقدور شرحی درباره صاحب آن لقب و عنوان ارائه گردیده است.

با توجه به مراجعه محققین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف به این چنین کتاب‌هایی، فهرست‌هایی مختلف و متنوع، همچون اسامی اشخاص، اسامی جغرافیایی، مدنی، اجتماعی، اداری و واژه‌های خاص، طوایف، ایلات، خاندان‌ها و مذاهب، گل‌ها، گیاهان و میوه‌جات، مآکولات، و کتب و رسائل تهیه شده است.

شیوه ترتیب فهرست اعلام به شکل زیر است:

- اسم کوچک + کلمه عنوانی مثل خان و میرزا ← ارجاع به لقب (مثلاً جعفرخان = مشیرالدوله)
- اسم کوچک منفرد ← (مثلاً قنبر)
- اسم کوچک + کلمه عنوانی مثل خان، میرزا یا نسبت (جلیل خان، جهانسوز میرزا، جمشیدخان ماکویی)
- اسم کوچک مرکب ← + کلمه عنوانی همچون خان، میرزا یا نسبت آن شخص.
- اسم کوچک مرکب ← ارجاع به لقب (محمدقلی = حسام‌الدوله)
- نام‌هایی که یکنواخت و مشابه بوده و احتمال می‌رفته است که دو یا چند شخص مجزا باشند، پشت سرهم و به ترتیب ذکرشان در صفحات آورده‌ایم، تا اختلاطی در هویت و منصب آنها حاصل نشود. (مانند پاشاخان و پاشاخان کرد)
- جهت آگاهی بیشتر خوانندگان، القاب بعدی و اطلاعات مربوط به افراد پس از شماره صفحات و داخل پرانتز آورده شده است.

تقدیر و تشکر

مراتب سپاس و تشکر فراوان خود را از مجموعه کارمندان سازمان اسناد ملی ایران، به ویژه جناب آقای امین الله آزادیان، مدیرکل شناسایی و فراهم آوری، سرکارخانم زبین کلک، مدیرکل اطلاع رسانی و خدمات آرشیوی، سرکارخانم هما قاضی و همکاران ایشان در بخش اطلاع رسانی، به خاطر همکاری صمیمانه و مسئولانه ایشان اعلام می دارم.

از حضرت استاد علامه سید عبدالله انوار، جناب آقای عمادالدین شیخ الحکمایی، جناب آقای دکتر احمد چایچی امیرخیز، جناب آقای مهدی فراهانی و تمامی سرورانی که به انحاء مختلف بنده را راهنمایی و از محبت خویش بهره مند ساختند، تشکر و قدردانی می کنم.

سپاس ویژه دارم از استاد دکتر سیدمصطفی محقق داماد، جناب آقای دکتر محمد افشین وفایی و کلیه کارکنان زحمت کش بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، به پاس تلاش بی وقفه ایشان، برای ارتقاء سطح فرهنگ و دانش ایران عزیز و فراهم نمودن شرایط لازم جهت چاپ کتاب حاضر.

قدردانی می کنم از جناب آقای بیوک رضایی که برای هر چه بهتر عرضه شدن این کتاب، راهنمایی های لازم را به بنده ارائه فرمودند.

سخن را با درود به روان پاک دکتر محمود افشار و خلف صالحش، زنده یاد ایرج افشار به پایان می برم و برای زنده یاد استاد کریم اصفهانیان که همواره وام دار رهنمودهای پدرانۀ ایشان هستم، علو درجات و بهشت برین را آرزومندم.

با توجه به بضاعت اندک این حقیر، به احتمال قریب به یقین، لغزشها و اشتباهاتی در تصحیح این اثر روی داده که امیدوارم سروران و فضلا، براین نقایص چشم نپوشند و با تذکرات کارشناسانه خود، بنده را مرهون محبت های خویش سازند.

« شاه باید هر سال بعد از عید نوروز به سفر برود انشاءالله. به علت این که در طهران ماندن زیاد خوب نیست. هم نوکر لکنته می شود، هم اسباب سفر نوکر و خود پادشاه از دست می رود و محسنات دیگر هم در ضمنش بسیار است. پادشاه به رأی العین مملکت هایش را می بیند و رعایا اگر عرض داشته باشند که دستشان به طهران نرسد، خواهند کرد.

بعضی سال ها انشاءالله نوکر را هم اخبار کرده، در چمن های خوب سان دیده می شود. کسر و نقصان فوج و سوار و پیاده معلوم می شود. دستگاه سلطنت را خارج و داخل می بینند. ارادت رعایا نسبت به پادشاه زیادتر می شود. به علت این که بسیار تفاوت دارد این که [رعیت] پادشاه را به چشم خود ببیند، تا این که از دور بشنوند که همچه آدمی هست. و مزاج را هم نافع است.»^۱

چون هوای نیاوران به شدت گرم شد و کار زیادی هم داشتیم، کار زیاد با آن شدت گرمی هوا خیلی اذیت کرد، بنا را به رفتن شکرآب و بیلاقات شهرستانک و غیره گذاشته، صبح روز سه‌شنبه ۱۸ شهر ربیع الاول سنه ۸۳ بارس نیل^۱، صبح زود، دو ساعت به دسته^۲ مانده از خواب برخاسته رخت پوشیدیم، از در سلام سوار اسب دیوزاد شده راندم الی زیر منظریه. از آنجا راندم طرف امامزاده قاسم و دربند- خواستم از راه دیگر به شکرآب بروم-.

در رکاب [ما] ساری اصلان، آقابراهیم^۳، آقادیی، یوسف، موچول خان^۴، ماچکی بزرگ، ماچکی کوچک، ابراهیم بیگ نایب، صادق خان، کاظم خان، یحیی خان^۵، سیاچی^۶، پسر شاطر باشی و غیره بودند. ملک منصور میرزا^۷، امیر آخور^۸، محمد رحیم خان،

۱. بارس نیل: سال مغولی، سال پلنگ.

۲. دسته، اصطلاحی بوده که در آن دوران برای ساعت شش صبح به کار می‌رفته است.

۳. آقابراهیم آبدار، پسر زال بیگ از اهالی سلماس. در سال ۱۲۸۶ق. که عنوانش آبدار باشی خاصه بود به امین السلطان ملقب و دو سال بعد به سمت صاحب جمعی یعنی اداره شترخانه و قاطرخانه و حمل و نقل دولتی منصوب شد. وی پدر میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم) صدراعظم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود. (شرح حال رجال ایران، ص ۷۰)

۴. موچول خان: عنوان غلامحسین گیلانی، فرزند آقاخان امین الصّحه بود.

۵. یحیی خان، پسر میرزانی خان امیردیوان و برادر تنی حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه بود. در سال ۱۲۸۴ق. ملقب به لقب معتمدالملک شد. سایر القاب او عبارت است از: آجودان مخصوص، وزیر مخصوص، مشیرالدوله. (ر.ک: چهل سال تاریخ ایران، در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد ۲ صص ۴۸۱-۴۸۲ و شرح حال رجال ایران، صص ۷۶۰-۷۵۸)

۶. سیاچی، همان مهدقلی خان پسر عیسی خان اعتمادالدوله، دایی ناصرالدین شاه بود که در ابتدا غلام بچه و بعدها از پیشخدمتهای شاه شد. در سال ۱۲۹۶ق. لقب مجدالدوله یافت و در سال ۱۳۰۰ق. تومان آغا فخرالدوله دختر شاه را به همسری گرفت و داماد شاه شد. مسجد مجدالدوله واقع در خیابان امام خمینی از آثار خیر اوست. (شرح حال رجال ایران، ص ۷۰۱ و چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، صص ۴۹۷-۴۹۸)

۷. ملک منصور میرزا [ملک‌صور] پسر فتحعلی شاه و برادر کوچکتر ملک قاسم میرزا و مادر این دو برادر نیز بیگم خانم، زن پانزدهم فتحعلی شاه و دختر امامقلی خان افشار از خوانین معتبر رضاییه بوده است. (نقل به تلخیص از شرح حال رجال ایران، ص ۶۹۳)

۸. امیر آخور همان محسن میرزا پسر ارشد عبدالله میرزای دارا، پسر فتحعلی شاه است که از جمله شاهزادگان فاضل قاجاری بود و به همین سبب در نزد ناصرالدین شاه بسیار مقرب بود. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، ص ۸۵۳ و مهدعلیا به روایت اسناد، ص ۷۷)

حاجب‌الدوله^۱ [و] امیرآخور^۲ هم بودند؛ صحبت‌کنان می‌رفتیم، اما حاجب‌الدوله و امیرآخور، محمدرحیم‌خان [و] ملک‌صور از دربند و اسدآباد و غیره مرخص شده رفتند. حاجب‌الدوله می‌خواهد برود شهر؛ چند روز مانده، از آنجا به کرج و ولیان برود. امیرآخور، ملک‌صور [و] محمدرحیم‌خان هم سه چهار روز دیگر از راه اوشان خواهند آمد. نصرت‌الدوله^۳ هم در اسدآباد پیدا شد. او هم مرخص شد با امیرآخور بیاید. عین‌الملک^۴ هم مانده است، از عقب خواهد آمد. کشیکچی‌باشی^۵ هم رفت سپه‌سالار^۶ را مشایعت خراسان بکند.

۱. حاجب‌الدوله (بسطامی)، محمدخان پسر کربلایی عباس یوزباشی بسطامی از غلامان عباس میرزا نایب‌السلطنه و پدر محمدحسین‌خان مشیرخلوت بود. (چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، ۴۹۹)
۲. تکرار امیرآخور نتیجه سهواً القلم است.
۳. نصرت‌الدوله، فیروزمیرزا (فرمانفرما) پسر شانزدهم و مورد علاقه عباس میرزا نایب‌السلطنه و مادرش از خاندان کلانتر باغمیشه تبریز بود. نصرت‌الدوله، فیروزمیرزا جد خاندان فرمانفرمایان است. (به اختصار از شرح حال رجال ایران، صص ۵۳۵-۵۳۴ و تعلیقات مرحوم اردکانی بر چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۴۶۶)
۴. عین‌الملک؛ [در این سال لقب اعتضادالدوله داشته است] شیرخان یا انوشیروان‌خان پسر سلیمان‌خان خان‌خانان است. وقتی عزت‌الدوله از میرزااکاظم‌خان نظام‌الملک طلاق گرفت و از آن ازدواج اجباری رهایی یافت، زن شیرخان پسر دایی خود شد و از او فرزندی یافت. شیرخان در سال ۱۲۸۵ق. به بیماری وبا درگذشت. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، صص ۳۸۴-۳۸۳ و چهل سال تاریخ ایران، ص ۴۸۳ و مهدعلیا به روایت اسناد، ص ۴۷ و همچنین نگاه کنید به مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، جلد ۴، ص ۲۷)
۵. کشیکچی‌باشی لقب میرزامحمدمهدی‌خان پسر بزرگ میرزامحمدخان سپهسالار و شوهر فخرالملوک دختر بزرگ شاه بود که در سال ۱۲۷۵ق. به جای پدر منصب کشیکچی‌باشی یافت و تا سال ۱۲۸۴ق. بر این سمت باقی بود. (شرح حال رجال ایران، ص ۶۵۰)
۶. سپهسالار، میرزامحمدخان قاجار دولو، پسر امیرخان سردار ایروانی بود که در سال ۱۲۷۵ق. به وزارت جنگ و لقب سپهسالاری نایل شد. وی را سپهسالار ایروانی هم نوشته‌اند تا با سپهسالار قزوینی (میرزااحسین‌خان مشیرالدوله) اشتباه نشود، چنان که مسجد و مدرسه میرزامحمدخان را مسجد سپهسالار قدیم نوشته‌اند در مقابل مسجد و مدرسه سپهسالار میرزااحسین‌خان که مدرسه سپهسالار جدید خوانده می‌شد. میرزامحمدخان خود پسر دایی عباس میرزا نایب‌السلطنه بوده و ظاهراً او اول کسی بوده که لباس کوتاه میلله‌دوزی و سردوشی را لباس همیشگی خود قرار داد و بعد از او به تدریج این پوشش نظامی مرسوم شد، در حالی که پیشتر جبه و شال و کلاه می‌پوشیدند. در ۱۲۸۱ق. صدراعظم شد و لقب سپهسالاراعظم یافت، ولی چون در سخت‌گیری و قشری‌گری مذهبی موجب اختلال در امور و مایه اعتراض همگان گردید، شاه او را عزل کرد و در ۱۲۸۳ق. به حکومت و تولیت آستان قدس رضوی منصوب گردید. (شرح حال رجال ایران، صص ۵۶۴-۵۶۲ و توضیحات مرحوم حسین مجوبی اردکانی بر چهل سال تاریخ ایران، ص ۴۵۹)

معیرالممالک^۱ هم در دربند رسید، گفت راه اسدآباد خوب است. گفتم از آنجا برویم. رانندیم. با معیر کار داشتم، سپردم الی سر نهار از آنجا برخواهد گشت. از توی ده اسدآباد انداخته رانندیم بالا. ابوالقاسم بیک، قهرمان خان و غیره بودند. هوا به شدت گرم بود. کوه خشک بی آب، راه بد. غلام علی خان هم بود؛ رانندیم. بین راه نسقچی باشی^۲ می رفت شکرآب، به او رسیدیم. در بین راه پیاده شده هندوانه خوردم، قدری حال آمدم.

غلام علی خان نبود، از راه اوشان آمده بود.

باز رانندیم. رسیدیم به قلّه توچال. در همان بالا افتادیم به نهار. نهار عقب مانده بود دیر رسید؛ آفتاب گردان هم نبود. زیر چتر^۳ بزرگ نهاری خوردیم. در بین نهار صدای تفنگی از بالای کوه آمد. بعد از دقیقه [ای] آبی پیدا شد؛ کبک دری زده بود آورد. گفت از پیش میرشکار می آیم، زیریخچال شکار هست. کبک دری را به معیرالممالک دادم. قدری به کارهای معیر رسیدگی شد. او رفت، قرار شد روز دوشنبه بیاید شکرآب.^[۳۱۴]

آقاعلی آشتیانی^۴ هم از راه پیازچال آمده بود. آمد اینجا. بعد از نهار و کارهای معیر، سوار شده راندم. پیش میرشکار رسیدم. من هیچ شکاری چیزی ندیدم؛ ولی و موسی را فرستاده بود سر بزنند؛ بد سر زده، شکار را پایین ریخته بودند.

۱. معیرالممالک، دوستعلی خان فرزند حسینعلی خان معیرالممالک. پس از فوت پدر در سال ۱۲۷۴ق. سمت خزانه داری و منصب معیرالممالکی و ریاست بیوتات سلطنتی یافت. در سال ۱۲۸۳ق. دارای مقامها و مناصب ذیل بوده است: خزانه داری، جمع آوری و تحویل داری وجوه مخصوص خزانه اندرون، وصول مالیات و اقساط پرداخت وجوه، تصدی ضربخانه، کالسکه خانه، زنبورکخانه، حکومت گیلان و یزد. (شرح حال رجال ایران، ص ۳۱۳)

۲. نسقچی باشی همچون کشیکچی باشی و یساول باشی، از القاب و عناوین برجای مانده از دوران صفوی است. نسق به معنی نظم و ترتیب و نسقچی مأمور انتظامات اردو و عضو گاردشاهی می باشد و نسقچی باشی رییس گارد و رییس انتظامات اردوی شاهی است. (تعلیقات سید محمد مهدی موسوی بر کتاب خاطرات احتشام السلطنه)

۳. اصل: چطر. باقی موارد نیز اصلاح شد.

۴. آقاعلی آشتیانی، از پیشخدمت های شاه که در سال ۱۲۸۴ق. لقب امین حضور را دریافت داشت. در سال ۱۲۸۶ق. امور احتساب تهران که تقریباً همان شهرداری کنونی بود به وی محول شد. سه راه امین حضور تهران به نام اوست. (نقل به تلخیص از شرح حال رجال ایران، صص ۴۵۹-۴۶۰ و چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، صص ۵۱۳-۵۱۴)

بعد سوار شده رانندیم برای منزل. بُنه و مردم و حرم [و] سرباز از بیراهه مثل خر زده بودند، سرازیر می‌شدند به شکرآب. ما از راه ساخته متعارف رفتیم منزل. بسیار خسته شده بودم. چهار ساعت به غروب مانده رسیدیم منزل. چادرهای ما و حرم و غیره [را] مثل پیرارسال زده‌اند بعینها، اما آب چشمه کم است، یعنی دو سنگ آب دارد اما خیلی خوش هوا و با صفا بود.

انیس‌الدوله^۱ و این دسته حرم آمده بودند با تومان‌آغا^۲ و توران‌آغا^۳؛ خسته و مانده، از این بیراهه بد آمده‌اند. دسته‌های دیگر حرم فردا خواهند آمد در شمران. به جز مادر نایب‌السلطنه و نایب‌السلطنه^۴ و سلطان‌خانم و خاتون‌جان‌خانم و گلین‌خانم^۵ و دخترسالار^۶ و جمال و اخترالسلطنه^۷، باقی کل حرم آمده‌اند، با همه کنیزهای ما - هاجری و نظاره هم هستند، لیلا و غیره -.

۱. انیس‌الدوله، فاطمه خانم، سوگلی حرم ناصرالدین شاه و دختر نورمحمد از اهالی امامه از قرای شمالی طهران بود. (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۱۱۵)
۲. تومان‌آغا، فخرالدوله (متولد ۱۲۶۷ق.) دختر ناصرالدین شاه از بطن خازن‌الدوله و همسر مهدیقلی خان مجدالدوله بود که در سال ۱۳۱۰ق. و در سن ۳۳ سالگی درگذشت. (المآثر و الآثار، ص ۳۴ و مجموعه روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه)
۳. توران‌آغا، فروغ‌الدوله (خواهر کوچکتر تومان‌آغا)، دختر ناصرالدین شاه و همسر علی‌خان ظهیرالدوله صفاعلی‌شاه بود. وی در سالهای بعد ملقب به ملکه ایران شد. (تاریخ بی‌دروغ، شرح حال مؤلف و مهدعلیا به روایت اسناد، ص ۴۸)
۴. نایب‌السلطنه، کامران میرزا، سومین پسر زنده مانده ناصرالدین شاه، از بطن منیرالسلطنه دختر محمد تقی‌خان معمارباشی بود. کامران میرزا پسر محبوب و سوگلی ناصرالدین شاه بود و به همین مناسبت سالهای طولانی (تا زمان حیات پدر) سمت وزارت جنگ را برعهده داشت. از مستحدثات وی عمارت امیریه و منیریه (منسوب به مادرش منیرالسلطنه) و همچنین باغی در شمیران به نام کامرانیه و محله فیشرآباد تهران بود. (شرح حال رجال ایران، صص ۵۴۵-۵۴۴ و منتظم ناصری و مهدعلیا به روایت اسناد، صص ۴۱-۴۲ و چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۴۳۷)
۵. گلین‌خانم، دختر شاهزاده احمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه و اولین زن عقدی ناصرالدین میرزای ولیعهد بود. گلین در ترکی به معنای عروس است. سلطان احمد میرزا در تاریخ خود می‌نویسد که نخستین همسر شاهزادگان یعنی فرزندان فتحعلی شاه عنوان گلین داشتند. (چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، صص ۴۴۹-۴۵۰ و مهدعلیا به روایت اسناد، ص ۹۲)
۶. زینت‌السلطنه یا دخترسالار همسر ناصرالدین شاه؛ دخترسالار پسر شیخعلی میرزا پسر فتحعلی شاه بود. وی از شاه صاحب پسری شد به نام نصرت‌الدین میرزا که ملقب به سالارالسلطنه شد. (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۱۶۹)
۷. اخترالسلطنه، همسر ناصرالدین شاه و دختر اوکتیاق‌آن میرزا پسر حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه فرزند فتحعلی شاه قاجار بود. (روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه؛ ۱۳۰۹-۱۳۱۰ق، ص ۲۷)

خواجه‌ها همه آمده‌اند و هستند، به جز حاجی آغایوسف و آقاحسن و حاجی بلال و آقاسلیم که در شمران مانده‌اند. گربه‌کندی هست؛ گربه سفید کوچک هم هست. گربه سنجابی‌های آقاابراهیم هم هستند.

عمله خلوت: امین خلوت هاشم^۱. محمدعلی خان^۲ از راه اوشان آمد. نورمحمدخان، یحیی خان، رخت‌دار، حسین خان^۳، موجول خان، میرزاعلی خان^۴، آقاابراهیم، آقادیبی، یوسف، دهباشی، حسن قهوه‌چی. حاجی قهوه‌چی نیاوران است، پول علوفه می‌دهد. پسر حاجب‌الدوله^۵. ادیب‌الملک^۶ آمده است، پسرش را هم آورده است. آقاعلی، ابراهیم چرتی^۷. محقق^۸ یک روز بعد آمد از راه اوشان. عکاس‌باشی^۹، میرزاعلی نقی^{۱۰}

۱. امین خلوت، میرزاهاشم خان، برادر پدری و مادری فرخ خان امین‌الدوله و پدر اقبال‌الدوله و صاحب اختیار، از جمله عمله خلوت بود که در سال ۱۲۷۸ق. ملقب به امین خلوت شد. (رک: شرح حال رجال ایران، ص ۷۵۲ و چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۵۱۱)
۲. محمدعلی خان، در سال ۱۲۸۸ق. زینداری‌باشی بود و لقب امین‌السلطنه یافت. بعدها سمت رخت‌داری و ریاست صندوقخانه شاهی را عهده‌دار شد. (شرح حال رجال ایران، ص ۶۲۴)
۳. حسین خان یا حسین خان پیشخدمت معروف به فوزی، پسر سهراب خان گرجی و برادر والی خان بود و در سال ۱۳۱۳ق. ملقب به محرم خلوت شد. (روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، نسخ خطی)
۴. امین‌الدوله، میرزاعلی خان پسر حاج میرزاحمدخان مجدالملک و متولد ۱۲۶۰ق. در سال ۱۲۷۸ق. نظر به لیاقت علمی و حسن خط؛ شاه دستور داد که در سفر و حضر ملتزم رکاب باشد و او در این وقت هجده ساله بود. در سال ۱۲۸۳ق. جزو پیشخدمتان و منشی حضور شاه شد، در سال ۱۲۹۰ق. ملقب به امین‌الملک شد. پس از فوت میرزاهاشم خان، برادر فرخ خان کاشی امین‌الدوله در سال ۱۲۹۴ق. این لقب به میرزاعلی خان داده شد. (شرح حال رجال ایران، صص ۴۶۴-۴۶۲ و همچنین تعلیقات مرحوم اردکانی بر چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، صص ۴۸۹-۴۸۷)
۵. پسر حاجب‌الدوله، همان محمدحسین خان (مشیرخلوت بعدی) پسر بزرگ حاجی محمدخان ابری حاجب‌الدوله است که در سال ۱۳۰۰ق. ملقب به لقب مشیرخلوت شد. (شرح حال رجال ایران، ص ۸۷۱)
۶. ادیب‌الملک، لقب عبدالعلی خان فرزند حاجی علی خان مراغه‌ای حاجب‌الدوله بود که در سال ۱۲۷۰ق. ملقب به ادیب‌الملک و واسطه عرض عرایض شعرا و اهل ادب به حضور شاه گشت. (همان، صص ۴۳۶-۴۳۷)
۷. ابراهیم چرتی یا محمدابراهیم خان محلّاتی، فرزند میرزااحمد محلّاتی بود که در ابتدا غلام‌بیجه دربار ناصرالدین شاه بود و بعدها پیشخدمت شاه شد.
۸. محقق، محمدحسن خان پسر حاج محمدخان ابری حاجب‌الدوله از پیشخدمت‌های مقرب ناصرالدین شاه بود. وی سالهای متمادی از رجال درباری ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود. قاسم‌آباد، واقع در شمال شرقی تهران ملک بیلاقی او بوده است. (شرح حال رجال ایران، صص ۸۶۸-۸۶۹)
۹. آقارضاخان عکاس‌باشی، آجودان مخصوص ناصرالدین شاه، پسر آقاسماعیل جدیدالاسلام و برادر میرزاعلی‌نقی حکیم‌الممالک بود. در آغاز کار از پیشخدمتهای حضور شاه بود و در سال ۱۲۸۰ق. عکاس‌باشی لقب گرفت. (همان، ص ۳۲۱)
۱۰. میرزاعلی نقی، پسر حاجی آقاسماعیل جدیدالاسلام و نواده ملابابای کلیمی اصفهانی بود. در ۱۲۸۴ق. به حکیم‌الممالک ملقب شد. (همان، صص ۵۱۱-۵۱۲)

[و] حکیم میرزا کاظم رشتی^۱ روز پنجشنبه، سوّم ورود [به] شکرآب آمدند. معصومه قدری ناخوش شده است. آقاعنبر هم ناخوش است. روغن چراغ خورد. معصومه هم نمک^۲ خورد. حکیم طولوزون^۳ دو روز بعد آمد. پسر بهاءالملک^۴ [هم] دو روز بعد آمد.^[۳۱۵]

غلامبچه‌ها: سیاچی، ماچکی، کوچولو، پسر نورمحمدخان، ملیجک^۵، میرزا عبدالله^۶. حسین خان چورتی^۷ صدایش گرفته و قدری ناخوش شد. شوهری چهار روز بعد آمد شکرآب.

امناء و متفرقه: آجودان‌باشی، نسقچی‌باشی، صادق‌خان، ساری‌اصلان، کاظم‌خان. علی‌خان شاطر‌باشی، از شکرآب ناخوش شد. میرشکار و اتباع، آبی مایی، نوری^۸ [و] مملى^۹ - یعنی بیگلربیگی سابق مازندران -.

۱. میرزا کاظم (رشتی) که ابتدا لقب ملک‌الاطباء و بعد از تألیف کتابی به نام حفظ‌الصحه ناصری، لقب فیلسوف‌الدوله را دریافت کرد. از آثار خیر او مدرسه‌ای است برای طلاب قدیم در سیداسماعیل در محله چاله میدان تهران که به نام مدرسه فیلسوف معروف است. (شرح حال رجال ایران، ص ۵۴۱)

۲. نمک: سولفات دومنیزی یا نمک فرنگی که در طب به عنوان مسهل کاربرد دارد. (فرهنگ لغت عمید)

۳. طولوزون، ژوزف دزیره طولوزان J. D. Tholozan پرفسور اگرژه و دارای درجه سرگردی در قشون فرانسه که از سال ۱۸۵۹ تا سال ۱۸۹۷ میلادی، یعنی سی و هشت سال در کشور ایران و در خدمت دولت ایران بود. وی علاوه بر طبابت شاه و درباریان، به عده‌ای از ایرانیان - خارج از دارالفنون - درس طب و جراحی می‌داد و عده زیادی از شاگردان مدرسه طب، حتی پس از فراغت از مدرسه، دوره تکمیلی و تخصصی را نزد او می‌دیدند. (چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۵۵۵)

۴. رحیم‌خان، پسر میرزا مصطفی‌خان بهاءالملک است. (روزنامه حکیم‌الممالک، نسخه خطی)
۵. ملیجک، لقب میرزا محمدخان سرتیب گروسی، پسر دوستی چوپان گروسی و برادر مادری زبیده امین‌اقدس زن شاه و پدر غلامعلی‌خان عزیزالسلطان و متولد قریه حلویایی بیجار گروس بود. میرزا محمدخان در سال ۱۳۱۱ق. ملقب به امین‌خاقان شد. (شرح حال رجال ایران، ص ۵۵۹)

۶. میرزا عبدالله‌خان پوشی، برادر عایشه‌خانم و لیلی‌خانم دو زن ناصرالدین‌شاه بود. (همان، ص ۴۴۶)
۷. حسین‌خان چرتی، پسر محمدابراهیم‌خان محلاتی (صدیق‌خلوت) و از پیشخدمتهای خاصه بود که در جمادی‌الثانی سال ۱۳۱۲ق. ملقب به «صدیق‌حضور» گردید. (روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه، نسخ خطی)

۸. نوری، همان نورالدهر میرزا پسر دوازدهم محمدقلی میرزای ملک‌آرا پسر فتحعلی‌شاه است. وی به مدت سیزده سال نایب‌ناظر دستگاه خوانسالاری شاه بود. در سال ۱۲۹۴ق. نایب‌الحکومه مازندران و تا ۱۲۹۹ق. در این سمت بود و به این مناسبت او را نایب‌الایاله هم می‌گفتند. (شرح حال رجال ایران، صص ۹۰۱-۹۰۰ و چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۵۹۴)

۹. مملى = محمدعلی‌خان بیگلربیگی، پسر سلیمان‌خان و برادر شیرخان عین‌الملک بود.

افشاربیک^۱ [و] محمدتقی خان شمیرانی^۲، چهار روز بعد آمدند شکرآب. علی رضاخان^۳ هم چهار روز بعد آمد به شکرآب. حاجی میرزا علی مقدس^۴ شش روز بعد آمد به شکرآب. امیرآخور در فردای ورود شهرستانک به حضور آمد. تیمور میرزا^۵ پنج روز بعد از ورود شکرآب آمد. ظهیرالدوله^۶ در ورود شهرستانک آمد. امین‌الملک^۷، ناصرالملک^۸ [و] ملک‌صور در روز چهارم ورود شهرستانک آمدند، اما ناصرالملک خواهد رفت لندن.^[۳۱۶]

روز چهارشنبه، ۱۹ [ربیع‌الاول]

در منزل ماندیم. کار دیوانخانه و کاغذ‌صندوق^۹ و غیره و وزیر خارجه^{۱۰} داشتیم.

۱. افشاربیک، همان محمدتقی خان افشار (حاجب‌الدوله)، نوادهٔ عسکرخان افشار و از پیشخدمت‌های ناصرالدین‌شاه بود که شاه او را به سبب انتسابش به عسکرخان افشار، افشاربیک خطاب می‌کرد. [وی شوهر نظاره‌خانم، (عندلیب‌الدوله) از خانم‌های خوش‌آواز و خوانندهٔ مقرب شاه بود.]. (شرح حال رجال ایران، ص ۵۹۳ و چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، صص ۵۰۰-۴۹۹)
۲. محمدتقی خان (شمیرانی یا تجریشی) برادر ندیم‌السلطنه زن ناصرالدین‌شاه و دایی ضیاء‌السلطنه زن امام‌جمعه تهران بود. (چهل سال تاریخ ایران، جلد ۲، ص ۵۷۲)
۳. علی‌رضاخان قوانلوایلخانی قاجار، پسر موسی خان، دایی ناصرالدین‌شاه از پیشخدمت‌های خاصه شاه بود که در سال ۱۲۸۵ق. ملقب به عضدالملک شد. (شرح حال رجال ایران، ص ۴۸۴)
۴. حاجی میرزا علی (مشکوة‌الملک) معروف به مقدس، پسر حاجی رستم‌بیک.
۵. تیمور میرزا حسام‌الدوله پسر پنجم حسینعلی میرزا فرمانفرما بود. وی شکارچی‌باشی ناصرالدین‌شاه بود و در تربیت پرندگان شکاری تخصص داشت. (شرح حال رجال ایران، ص ۷۸۸)
۶. محمدناصرخان قاجاردولو ظهیرالدوله پسر محمدابراهیم خان سردار و پدر علی خان صفاء ظهیرالدوله بود. در سال ۱۲۷۷ق. ملقب به ظهیرالدوله شد و در سال ۱۲۸۲ق. ایشیک‌آقاسی‌باشی (رییس گارد تشریفات سلطنتی) بود و پس از آن وزیردربار و رییس تشریفات شاه شد. (همان، ص ۶۵۱)
۷. امین‌الملک، پاشاخان، از رجال دوران سلطنت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۱ق. ملقب به امین‌الملک شد. (منتظم ناصری، ج ۳ و شرح حال رجال ایران، صص ۱۸۲-۱۸۱)
۸. ناصرالملک، محمود، وی از بزرگان طایفهٔ قره‌گوزلو بود. در سال ۱۲۷۹ق. به سمت وزیرمختاری ایران در انگلستان معین و رهسپار لندن گردید. (شرح حال رجال ایران، ص ۶۶۴)
۹. در سال ۱۲۸۱ق. در واکنش به شکایات روزافزون مردم از وزراء، شاه کوشید با ایجاد «صندوق عدالت» سدّ دیوان‌سالاری را در هم بشکند. اعلان‌نامه‌ای به تاریخ بیست و دوم صفر سال ۱۲۸۱ق. به قاطبهٔ مردم اطلاع می‌داد که کلید صندوق لاک و مهر شده در دست خود شاه است. بنا بر دست خط شاه «در ایران حتی در حق پیرزن ضعیف هم ستم روا نیست و هرآینه مورد بدرفتاری قرار گیرد و موضوع به سمع مبارک برسد، بلافاصله ریشهٔ آن ظلم و ستم به کل قطع می‌شود». صندوق عدالت نمونهٔ بارز بازگشت شاه به عالم پادشاهی سنتی پس از امحای تمایلات داخلی و خارجی برای اصلاحات بود. (نقل به تلخیص از قبلهٔ عالم، ناصرالدین‌شاه قاجار و پادشاهی ایران، ص ۵۱۶)
۱۰. وزیر خارجه، میرزا سعیدخان انصاری مؤتمن‌الملک پسر میرزا سلیمان‌خان شیخ‌الاسلام بود. (شرح حال رجال ایران، ص ۳۴۵)